

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بیمه» / جلسه ۱۰ (۶/۱۰/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

**عنوان بحث: بیمه – ارکان عقد بیمه**

**موضوع بحث امروز: مسأله چهارم – ادامه اشکالات چهارگانه مخالفین عقد بیمه**

مقدمه: در جلسه گذشته در ضمن بررسی مسأله چهارم (۱) عرض کردیم، مخالفین عقد بیمه (عمدتاً اهل تسنن) که نوعاً به حرمت تکلیفی و وضعی بیمه نظر داده‌اند، در چهار مشکل نتوانستند، پاسخی پیدا کنند که فقهای شیعه این اشکالات را پاسخ داده‌اند و ما هم در دو جلسه قبل کلماتی را عرض کردیم. عمده مشکل این آقایان عبارت بودند از: ۱- التأمین و الغرر ۲- عقد التأمین و الرهانه و المقامرة ۳- التأمین و مشکلة الربا ۴- التأمین و مسأله اكل المال بالباطل. اشکال غرر در عقد بیمه بررسی و نقد شد اما سه اشکال دیگر باقیمانده است که امروز عرض می‌کنیم؛ هر چند تمام اشکالات چهارگانه به یک اشکال بر می‌گردد و آن اینکه عقد بیمه مصداق یا از قبیل اكل مال به باطل است. با این حال تفصیل اشکالات باقیمانده را عرض می‌کنیم.

**دلیل دوم مخالفین، عقد بیمه از قبیل قمار است**

دلیل دومی که مخالفین اقامه کرده‌اند، این است که مسئله‌ی تأمین و بیمه، گاهی «قمار» است و گاهی «رهان» یعنی شرط بندی؛ به بیان واضح در قمار طرفین هر کدام از طرفین، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار می‌اندازند که بر دیگری غلبه کند، قهراً در آخر یکی برنده و دیگری بازنده خواهد شد. اما در رهان دو نفر یا بیشتر کناری نشسته‌اند و فقط تماشاگر هستند بدون اینکه کاری انجام بدهند، پس اگر این کار را خود بازیگران

بکنند، اسمش قمار است و اگر این کار را تماشاگران بکنند، اسمش رهان است که با هم شرط می‌بندند که طرفدار تیم مغلوب، باید مبلغی را به طرفدار تیم غالب و پیروز بدهد.

مخالفین بیمه می‌گویند در بیمه هردو مسئله وجود دارد، یعنی بیمه و تامین به یک معنا قمار است و به معنای دیگر رهان می‌باشد. آیت الله العظمی سبحانی حفظه الله دلیل دوم مخالفین بیمه را اینگونه بیان می‌کنند:

«ثم إن القائلين بالتحريم يقولون: إن الخصائص التي تحدد طبيعة العقدين - المقامرة و الرهان - توجد في عقد التأمين تماماً، و ذلك أن عقد التأمين عقد يتعهد بموجبه، أحد العاقدين (شركة التأمين) أن يدفع إلى المتعاقد الآخر (المستأمن) مبلغاً من النقود أو أى عوض مالى آخر يتفق عليه، إذا حدثت واقعة معينة (الخطر المؤمن منه) في مقابل تعهد العاقد الآخر (المستأمن) بدفع مبلغ آخر هو أقساط التأمين مدة عدم وقوع الحادث، فطبيعة عقد التأمين هي طبيعة عقدى القمار و المراهنة، و إن اختلفت أسماء عناصره و أطرافه، و هي كونه من عقود المعاوضات المالية الاحتمالية الملزمة للجانبين»

برخی دیگر از مخالفین عقد بیمه گفته‌اند: «لأنه معلق على خطر، تارة يقع و تارة لا يقع فهو قمار معين»

#### پاسخ به اشکال مقامره و مراهنه

اولاً: در قمار حالت خصام است، یعنی دو نفر به چشم خصم به همدیگر نگاه می‌کنند و لذا هر کدام نهایت تلاش و کوشش خود را به کار می‌برند تا به دیگری غلبه پیدا کند، یعنی هردو طرف فعالیت دارند و آلت قمار را به کار می‌برند، علاوه براین، هر دو طرف حالت مخاصمه با همدیگر دارند ولی در بیمه این گونه نیست، یعنی نه فعالیت عملی و آله قمار است و نه حالت خصام و دشمنی، بلکه یک نوع معامله‌ی عقلانی است.

ثانیاً: ماهیت این دو عمل، دو ماهیت است و نمی‌توان پذیرفت که عناصر و قرارداد میان طرفین در بیمه با عناصر و قراردادهای در مقامره و مراهنه، یکی می‌باشد

**ثالثاً:** عرفی که واقعاً عقلاً هم باشند، عقلای عالم از قمار مشمئز هستند، خصوصاً متشرعه، بر خلاف تامین و بیمه، یعنی آن نفرت و انزجاری که نسبت به قمار دارند، نسبت به تامین و بیمه ندارند.

### دلیل سوم مخالفین، عقد بیمه مستلزم ربا است

التأمین و مشکلة الربا، در دلیل سوم می‌گویند که بیمه آمیخته با رباست، مقصود شان از ربا، این نیست که اداره‌ی بیمه پول‌های مردم را جمع می‌کند و به مردم قرض می‌دهد و از آنها سود می‌گیرد، بلکه می‌گویند تامین خالی از ربا نیست، حتی مرحوم آیه الله حاج شیخ حسین حلی هم در بعضی از صور، قائل به رباست و می‌گوید این مستلزم رباست، با اینکه او در آن کتاب خیلی تلاش می‌کند که بیمه را اصلاح کند، ولی در اینجا اشکال می‌کند.

### پاسخ به اشکال احتمال ربا در بیمه

مقدمه: قبل از پاسخ به این اشکال عرض می‌کنیم که ربا بر دو قسم است: ربای قرضی و ربای معاوضه‌ای

**اول:** ربای قرضی این است که کسی مبلغی را به مدت معینی مثلاً یک میلیون تومان در یک سال به شما قرض بدهد، و بعد از یک سال مبلغ دویست هزار تومان از شما بگیرد، این ربای قرضی است؛ نقداً به شما قرض می‌دهد و لی نسبه از شما می‌گیرد، منتها به اضافه‌ی چیزی، این همان ربای است که جنگ با خدا محسوب می‌شود.

**دوم:** ربای معاوضی است، ربای معاوضی کار به قرض ندارد، مکیل و موزون، یعنی چیزهایی که یا به کیل فروخته می‌شوند و یا به وزن، هم جنس هم باشند، اگر انسان دو همجنس را با هم معاوضه کرد، نباید کم و زیاد بشوند.

با در نظر داشتن این مقدمه، می‌گوییم: مؤمن‌له (که همان بیمه‌گزار باشد) این مبلغ را در مقابل پولی که خواهد گرفت، نمی‌دهد، این اقساط را در مقابل مسئولیت جبران خسارت وارد شده خواهد گرفت، در مقابل مبلغ پرداختی

نمی‌دهد، بلکه این مبلغ را در مقابل پذیرش مسئولیت می‌دهد. تا خاطرش آسوده شود. هرگز این پولی که بیمه‌گزار به بیمه‌گر می‌دهد، در مقابل آن پولی که در موقع وقوع حادثه از بیمه‌گر خواهد گرفت، نیست.

به بیان دیگر در اینجا تقابل نیست که مقابله کند پول بیمه‌گزار با پولی که بیمه‌گر می‌دهد. بلکه در مقابل پذیرش مسئولیت است نه در مقابل پولی که از بیمه‌گر می‌گیرد.

و اگر هم بیمه‌گر پول می‌دهد، در مقابل این اقساط نمی‌دهد، بلکه در مقابل وفا به مسئولیت است که می‌دهد، اگر بیمه‌گزار پول می‌دهد در مقابل پذیرش مسئولیت از ناحیه‌ی بیمه‌گر است، و اگر بیمه‌گر عند حدوث الحادثة به بیمه‌گزار پول می‌دهد، آن هم در مقابل اقساط نیست بلکه در مقابل وفا به مسئولیت است، حالا که من این مسئولیت را پذیرفتم، باید از عهده‌ی این مسئولیت بیرون بیایم، تا بتوانم در آینده مشتری هم جلب کنم، از باب وفا به مسئولیت این پول را می‌دهد. این کجا و ربای معاوضی کجا؟! معاوضه‌ای در کار نیست.

#### دلیل چهارم مخالفین، عقد التأمین، أكل المال بالباطل است

دلیل چهارم مخالفین این است که بیمه از قبیل اکل به باطل است، قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم» (سوره نساء - ۲۹)

بیان استدلال اینها اینگونه است: «ربما يستدل على حرمة عقد التأمین بأنه من مقولة أكل أموال الناس بالباطل، قال سبحانه «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم» فالتراضی و إن كان موجوداً لكن يجب أن يكون وراء التراضی سبب شرعی، و عقد التأمین لیس سبباً شرعياً، بل سبب باطل لإشتماله على الغرر و المقامرة و الرهان و الربا» (گفته‌اند تراضی هست ولی عقد تأمین، سبب شرعی نیست)

**مقدمه پاسخ:** مسلماً مجرد تراضی کافی نیست، چون دو قمارباز هم ممکن است تراضی داشته باشند، یا «نعوذ بالله» زانی و مزنیه به فلان مبلغ راضی باشند، در عین حال حرام است

بنابراین، مجرد رضایت کافی نیست، حتماً باید سبب هم مشروع باشد، در قمار و زنا سبب مشروع نیست و هم چنین در بقیه‌ی معاملات محرمه. اگر بیمه‌گر یک پول مفتی را بگیرد بدون اینکه کاری انجام داده باشد، این از قبیل اکل مال به باطل است، پول باید در مقابل عمل بمعنی‌الاعم مثل کار کردن یا مسئولیت باشد، بیمه‌گر در اینجا هیچ کاری انجام نداده، جز اینکه اگر حادثه و خسارتی وارد شد، او جبران می‌کند. با این مقدمه عرض می‌کنیم:

**أولاً:** «أنه لو ثبت ما ذكره المستشكل فهو ليس دليلاً مستقلاً، بل هو عصاره الأدلة الثلاثة المتقدمة، حيث إنَّ اشتمال عقد التأمين على الغرر و المقامرة و الرهان أو الربا جعله من الأسباب الباطلة، و من المعلوم أن السبب الباطل، غير مؤثر»

پس یک دلیل مستقل نشد، بلکه سه دلیل را یکجا جمع کردی، دلیل رابع قرار دادید، مثل این است که کسی سه نفر را دعوت کند و بگوید من چهار نفر را دعوت کردم، یعنی زید، بکر و عمرو، چهارمی هم هیأت اجتماعی، پس باید چهارتا غذا بیاورد، این گونه نیست، یعنی هیأت اجتماعی غیر از افراد چیز دیگری نیست، ادله‌ی شما هما سه تا بود که ما آن را جواب دادیم.

**ثانياً:** حرف «باء» در «بالباطل» سببیه است، به این معنا که:

«أنَّ المراد بالباطل هو الأسباب المحرمة كالرشوة، فإن الباء للسببية، أي لا تأكلوا أموالكم بينكم بسبب باطل كالقمار و الرشوة و الكذب في المعاملة إلى غير ذلك من الأمور المنهية، و قد عرفت خلو عقد التأمين من هذه الأمور المحرمة شرعاً»

## پاسخ امام خمینی، ره به اشکال اکل مال بالباطل

امام خمینی، ره در اینجا جواب دیگری داده‌اند که غیر از جواب ماست، چون ما گفتیم بیمه‌گر کار می‌کند مثل مسئولیت یا آموزش بیمه‌گرها. اما ایشان جواب دیگری داده است و فرموده‌اند چه اشکالی دارد که انسان خانه‌ای را اجاره کند برای انبار گندم و برنج، اما در آن سال خشک سالی باشد و انبار خالی بماند، باید این طرف پول مالک را بدهد، هرچند از این انبار خالی استفاده‌ای نکرده باشد، یا فرض کنید خانه‌ای را اجاره می‌کند برای مهمان سرا، اتفاقاً آن سال برای مستأجر مهمانی نیاید، او باید اجاره‌ی صاحب خانه را بپردازد هر چند از این خانه استفاده نکرده باشد، در حقیقت می‌فرماید که استفاده نکردن دلیل بر اکل مال به باطل نیست، در اینجا این مرد، پول گرفته و حال آنکه کاری را انجام نداده است، یعنی نه مهمانی در خانه‌اش آمده و گندمی در انبارش ریخته شده است، بلکه فقط پول را گرفته، خانه و انبارش هم به همان تر و تازگی باقی مانده؛ پول گرفته و کاری انجام نداده، البته شرعاً باید پولش را داد.

آنگاه می‌فرمایند: اصولاً صیانت مال خودش یکی از اغراض عقلاییه است، یعنی اینکه انسان مال خودش را صیانت و حفاظت کند و در پوشش امنیت بیاورد، این خودش از اغراض عقلایی است، و این غرض عقلایی به وسیله‌ی بیمه انجام می‌گیرد.

## نتیجه بحث

ما از همان ابتدا بر این نکته تاکید کردیم که ماهیت بیمه همان عملیاتی است که عقلاً انجام می‌دهند و به لحاظ ماهیت عقد بیمه هیچ تناسبی با عقود محرمة مثل غرر، قمار، ربا و اکل مال بالباطل ندارد، و چنانکه گفته شد تمام این اشکالات اربعه به یک اشکال برمی‌گردد که عبارت است از اکل مال بالباطل و حال اینکه اینگونه نیست.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین